

لزوم تجدید نظر در راهبرد کتابخانه‌های عمومی

کتابخانه‌های عمومی در سطح جهان همچنان از اعتبار مناسب برخوردارند. در جلسه‌ای که با حضور عضو هیئت علمی یکی از دانشگاه‌های امریکا در کمیته گسترش و برنامه‌ریزی وزارت عتف تشکیل شده بود، ایشان به دو نکته اشاره کرد که قابل توجه بود: یکی اینکه کتابداری^۱ همچنان با قدرت در سطح دانشگاه‌های امریکا فعالیت می‌کند و دوم اینکه بعضی مهارت‌ها از جمله قصه‌گویی در کتابخانه‌های عمومی جایگاه ویژه‌ای دارد و اینکه وی دیده است که مثلاً یک کتابدار قصه‌گو دارای چندین کلاه کار بوده است تا بتواند با قصه‌گویی خود توجه بیشتری از مخاطبان، به ویژه کودکان را به خود جلب کند. این تذکر مرا به این فکر انداخت که آیا این وضعیت در کشور ما هم هست؟ آیا اگر فردا بگویند فلان کتابخانه عمومی و یا حتی در سطح بالاتر نهاد کتابخانه‌های عمومی تعطیل شد، آیا حرکتی در جامعه مبنی بر اعتراض و یا حتی تأسف که بتواند هشداردهنده باشد به وجود می‌آید؟ من شاید بدبینانه به این مسئله می‌نگرم ولی قطعاً عده‌ای با نظر من موافقت می‌کنند که در جامعه ما و به ویژه با حضور اینترنت و تلفن همراه و «آی‌پد» و فناوری‌های نوین دیگر، کمتر کسی به کتابخانه به عنوان محل دانش و گسترش آن نگاه می‌کند؛ اگر چه آن را به عنوان قرائت‌خانه، آن هم در مواقع ضروری مانند امتحانات و کنکور قبول دارند و از آن استفاده می‌کنند.

از این رو به نظرم رسید که باید تا دیر نشده، ما به بازنگری راهبردی کتابخانه‌های عمومی سوای بقیه کتابخانه‌ها بنگریم، تا علاج واقعه قبل از وقوع اتفاق بیفتد. البته گفتنی است که بعضی موقعیت‌های کتابخانه‌ای محصول نوع نگاه سردمداران این رشته در غرب بوده است. دیویی به عنوان فردی شاخص و صاحب نظر، سنت‌هایی را بر این رشته و یا به قول بعضی‌ها حرفه، حاکم کرده است که همچنان سایه آن بر این حوزه و به ویژه کتابخانه‌های عمومی سنگینی می‌کند. او گفته است که کتابدار پاسدار سنت روشنفکری آن زمان و یا هر زمان دیگری است و بنابراین نباید در متون دخالت داشته باشد. معنای آن این است که کتابدار فردی منفعل و پاسدار وضعیت موجود است (تردینیک^۲، ۱۳۹۵).

۱. بدیهی است در آنجا با توجه به فناوری‌های جدید، وضعیت با ایران فرق می‌کند.

در هر حال اگر همچنانکه دیویی گفته است باز کتابداران بخواهند بر آن روش عمل کنند، در جهان پر اطلاع کنونی منزوی خواهند شد و لذا باید به فکر تغییر روش و منش باشند. البته این بدان معنا نیست که هر چه سنت است بد است و باید با آن مبارزه کرد؛ بلکه به این معنا است که ضمن توجه به سنت باید به آینده توجه نمود و نیازهای آتی مردم را قبل از آنکه خود تقاضا کنند، تدارک دید. تردینیک (۱۳۹۵) به خوبی به این امر پی برده و دو راه حل پیشنهاد کرده است: یکی اینکه بر خلاف توصیه دیویی کتابداران باید جسورانه وارد متون شوند و به جای پاسداری از وضعیت موجود، همچون همه دانشمندان و محققان دیگر، متون را بشکافند و در مقام دستیار و یا مشاور برای دیگران انجام وظیفه کنند و یا اگر چنین نمی‌کنند با توجه به توسعه فناوری در ارائه خدمات فناورانه به محققان جدید فراوان کنند و باز به‌عنوان راهنما و مشاور دلسوز و امین، آنها را در انجام وظایفشان یاری دهند.

از این رو من فکر می‌کنم که اگر کتابخانه‌های عمومی فارغ از بقیه کتابخانه‌ها بخواهند در جامعه عرض اندام کنند و نه به صورت تحمیلی بلکه با به دست آوردن نوع علائق مردم به گونه‌ای عمل نمایند تا مردم وجود آنها را لمس کنند، باید فکری اساسی داشته باشند تا چنانچه یک روز کتابخانه بسته شد، نه تنها آنهایی که به دنبال یک جای دنجی برای مطالعه و یا حل مسائل شخصی خود می‌گردند، بلکه همه کسانی که به نوعی به مسائل فکری و فرهنگی نیازمندند خلأ آن را به جد احساس کنند و از مسئولان در این مورد توضیح بخواهند. از این رو به نظر من لازم است نهاد کتابخانه‌های عمومی علاوه بر سه کارکرد جدید برای کتابخانه‌ها که قبلاً نوشته‌ام (فدائی، ۱۳۹۴) در شش محور زیر مسائل را بازننگری، و کتابدار هم حداقل در شش مورد به شرح زیر مهارت کسب کند:

۱. قانون و مسائل قانونی. اگر چه قوانینی برای کتابخانه‌های عمومی وجود دارد، ولی به نظر می‌رسد برای انجام وظیفه بهینه در جهان پرماجرایی امروز، آنها نیاز به بازننگری دارند. امروزه اینترنت به خوبی جای کتابخانه‌ها را پر کرده است و از این رو کتابخانه‌ها با توجه به این رقیب سرسخت باید وظایف خود را در خرید، نگهداری، و ارائه خدمات بازننگری کنند. همچنین در منابع درآمدی و مصارف هزینه‌ای در این مورد باید تجدیدنظر شود تا در جهان آینده گرفتار رکود و بی‌خاصیتی نشوند. نکته مهم دیگر این است که فضای هوشمند (مجازی) تا حد زیادی مفهوم کتابخانه را تحت تأثیر قرار داده

- است و بنابراین به لحاظ قانونی و فنی لازم است تا در همه زمینه‌ها مأموریت نهاد کتابخانه‌های عمومی بازتعریف شود تا بتواند به صورت مشارکتی، تعاونی، و یا حمایتی نسبت به کتابخانه‌های هوشمند (مجازی) عمومی سهمی را در ساماندهی ایفا کند.
۲. مجموعه. مجموعه و ترکیب و نگهداری آن چالش دیگری است که نیاز به بازنگری دارد. آیا جمع‌آوری و نگهداری متون چه مکتوب و یا الکترونیکی آن با توجه به وجود خدمات اینترنتی جوابگو است و یا نیاز به ترکیب و گزینش دیگری دارد. همچنین آیا باید به کتاب به عنوان اشیاء تملیکی نگریست و یا در مسیر بهره‌وری بیشتر به گونه‌ای دیگر برخورد نمود. اقتصاد اطلاعات در این مورد می‌تواند یاری‌رسان باشد. آیا جمع‌آوری مجموعه‌های بی‌تناسب و یا تکراری و در مراکز مشابه ضرورت است و یا جنبه نمایشی دارد. علم بدون نفع (کاربرد) همچنانکه برای انسان‌ها مطرح است برای مراکز بدون استفاده هم قابل ذکر و تأمل است. هماهنگی با ناشران و چگونگی تعهد آنها در قبال تأمین نیازمندی‌های کتابخانه‌ها بحث دیگری است. در بعضی کشورها ناشران موظفند نیاز کتابخانه‌ها را ابتدا برطرف کنند، آنگاه بر اساس ارزیابی بازار فروش، خود در قیمت‌گذاری کتابشان مختارند. نهاد کتابخانه‌های عمومی از طریق کتابخانه‌ها به عنوان رابط با مردم، می‌تواند رابط بین مؤلف و ناشر و به نحوی سیاست‌گذار در زمینه نشر باشد.
۳. مخاطبان و شیوه جذب. چالش دیگر جذب مخاطبان است. امروزه بازی یکی از مشوق‌های جذب است. همچنانکه در مباحث زبانشناختی بر اساس نظریه ویتگنشتاین همیشه ما منتظر عملکرد زبان در محیط کار و عمل هستیم، و نام آن را بازی گذاشته‌ایم، آنهایی که بازی‌های رایانه‌ای را حمایت می‌کنند هم همواره از آن به عنوان سرگرمی استفاده نمی‌کنند؛ بلکه چه بسیار شبیه‌سازی‌های علمی با همین عنوان، راهی بازار می‌شوند و مخاطبان را درگیر می‌کنند. کتابخانه‌های عمومی باید برای درگیر کردن مخاطبان از طریق ایجاد انگیزه‌های متنوع، در خدمات خویش بازاندیشی کنند و گر نه با این روند فناوری، مسیر انحطاط را طی می‌کنند.
۴. ساختمان و معماری و مکان‌یابی و دسترس‌پذیری. بازنگری در مورد معماری ساختمان، آسایش، آرامش، دسترس‌پذیری و سهولت استفاده از آنها برای اقشار گوناگون و به‌ویژه با توجه به خدمات نوین رایانه‌ای ضرورتی دیگر است. به نظر می‌رسد در

معماری‌ها باید ملاحظات دیگری غیر از آنچه به‌طور سنتی به آن توجه می‌شود لحاظ شود. مهمتر اینکه گاه شنیده می‌شود که در طراحی ساختمان‌ها از نظرات کتابداران استفاده نمی‌شود و یا ساختمان‌هایی را با کاربری غیر کتابخانه‌ای به کتابخانه اختصاص می‌دهند، که فاقد شرایط لازم را برای خدمت‌رسانی جامع است. علاوه بر ساختمان‌های رسمی کتابخانه‌ها باید از مراکز دیگر فرهنگی و دینی برای گسترش فعالیت‌های خود وارد مذاکره و اقدام شوند.

۵. کارکنان و افزایش سطح مهارت. دیگر کارکنان قدیمی نمی‌توانند پاسخگوی نیازهای مراجعان باشند. بازنگری در استخدام و آموزش حین استخدام ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و باید تغییر کند. در ادامه به مهارت‌های لازم برای کارکنان کتابخانه‌های عمومی اشاره می‌شود.

۶. هنر چاشنی هر کار. هنر در کتابخانه‌ها بسیار ارزشمند است و کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. باید از هنر به‌عنوان چاشنی همه فعالیت‌های کتابدارانه استفاده کرد و از هنرمندان خواسته شود تا نسبت به عرضه بهینه خدمات در کتابخانه‌ها کمک کنند، شاید اقبال عمومی به این مراکز بیشتر گردد.

اما کتابداران باید دارای مهارت متنوع و مورد نیاز جامعه باشند. نهاد کتابخانه‌ها می‌تواند از این پس کسانی را استخدام کند که یک یا چند مهارت زیر را داشته باشند و این علاوه بر اخلاق، منش و برخورد خوب و روحیه خدمت‌مداری آنان است. اهم این مهارت‌ها در قالب عنوان کتابدار عبارتند از:

۱. کتابدار پژوهنده. کتابدار پژوهنده فردی است که باید خود دارای صلاحیت علمی بالا و یا در حد قابل قبولی باشد و علاوه بر اینکه خود پژوهنده، و با پیشرفت‌های جهانی در ارتباط است، دیگران را وادار به پژوهش کند و یا نیازهای پژوهشی آنها را به نحو احسن، خود، و یا با گرفتن کمک از دیگران برآورده کند. خدماتی از جمله خدمات مرجع، فعالیت‌های علمی، مقاله‌نویسی، مشارکت در اجرای طرح‌های علمی و آموزشی، و کمک در ایجاد هسته‌های پژوهشی در استان‌ها و شهرستان‌ها از وظائف اوست.
۲. کتابدار کارآفرین. کارآفرینی و ایجاد مهارت امروزه بسیار اهمیت یافته است کتابداران می‌توانند با استفاده از انواع منابع، وسائل، و مراکز، کارآفرینی را تبلیغ و یا با استمداد از کارآفرینان کارگاه‌های آموزشی در ابعاد گوناگون ترتیب دهند.

۳. کتابدار قصه‌گو. برای جذب مخاطبان خردسال قصه‌گویی هنری ارزشمند است. برای سنین بالاتر می‌توان به تهیه کتاب‌های گویا پرداخت. این افراد که خود باید علاوه بر خلاقیت و ابتکار آموزش‌های لازم و مداوم داشته باشند می‌توانند علاوه بر خدمات در داخل کتابخانه به دیگر مراکز آموزش و فرهنگی و به‌ویژه مدارس رفته و کار و مهارت خود را گسترش دهند. افرادی که دارای صدای خوب برای خواندن هستند باید گزینش شوند و به آنها آموزش‌های لازم داده شود.
۴. کتابدار هنرمند. کتابدار هنرمند باید در زمینه‌های نقاشی، مجسمه‌سازی، گرافیک، سخنرانی، نمایشنامه‌نویسی و اجرا و مانند آن توانمند بوده و بتواند در این زمینه به نحو احسن برای جذب مخاطبان و به ویژه خردسالان توانمند باشد.
۵. کتابدار مشاور. کتابدار مشاور در مورد سبک زندگی، اطلاعات عمومی، مشاوره به خانواده‌ها در مورد بهبود شرائط زندگی و یا همکاری در مبارزه با آسیب‌های اجتماعی دارای وظیفه است. همچنین باید بتواند به تولید محتوای مناسب اقدام کند.
۶. کتابدار فنی. یکی از نیازمندی‌های جدی در دوران معاصر که عصر اینترنت نام دارد کمک به حل مشکلات فنی در این زمینه چه در مورد سخت‌افزار و یا نرم‌افزار است. تولید نرم‌افزارهای مناسب، رفع مشکلات مراجعان و مخاطبان در این مورد از وظائف اوست. کمک در تولید کتاب‌های گویا هم از وظائف کتابدار فنی است.
- نهاد کتابخانه‌های عمومی باید برای آموزش مهارت‌های فوق گروه‌های آموزشی و پرورشی ترتیب دهد و با استفاده از همه افراد خلیق، باسواد، هنرمند و فنی به تربیت نیروهای موجود بپردازد. اگر این طرح مورد پذیرش باشد نهاد می‌تواند به همه کتابداران ابلاغ کند که خود را در قالب یک یا چند مورد از مهارت‌های شش‌گانه تعریف و یا دست‌کم تمایل خود را به آنها نشان دهند تا نهاد بتواند برای تقویت آنها از طریق آموزش‌های نظری و عملی اقدام کند. وجود کلاس‌های مستمر و یا دوره‌ای در این حوزه‌ها اقدامی مناسب خواهد بود.

منبع

- تردینیک، لوک (۱۳۹۵). بسترهای اطلاعات دیجیتال؛ رهیافت‌های نظری برای فهم اطلاعات دیجیتال. ترجمه علی فارسی‌نژاد. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور؛ چاپار.
- فدائی، غلامرضا (۱۳۹۱). کارکردهایی جدید برای کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی. تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی، ۱۸ (۱)، ۷-۲۴.